

تبیین عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی کشور برای تحقق دانشگاه کارآفرین

❖ فهیمه خدای عباسیه^{*۱} ❖ سمانه مهدی زاده^۲ ❖ یاسر سالاری^۳

صفحه: ۳۳-۱

چکیده

هدف پژوهش تبیین عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی کشور برای تحقق دانشگاه کارآفرین بود. پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کیفی - کمی) انجام شده است. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران در عرصه اجرای خط‌مشی‌ها و کارآفرینی بودند که به‌صورت هدف‌مند و بر اساس تکنیک گلوله‌برفی انتخاب شدند؛ بر اساس قاعده اشباع نظری و به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز، ۱۲ مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با آن‌ها صورت گرفت. داده‌های بخش کیفی حاصل از مصاحبه بر اساس تکنیک تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شدند. درنهایت ۶۰ مفهوم و ۱۳ مقوله شناسایی شد. سپس، با استناد به تکنیک دلفی فازی، مفاهیم و مقوله‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کمی با توجه به گستردگی حجم جامعه آماری، نمونه آماری با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و فرمول کهن ۵۰۰ نفر تعیین شد. جهت شناسایی روابط علی میان مقوله‌های اصلی پژوهش، سطح‌بندی و تعیین قدرت نفوذ و وابستگی، از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری ISM و نرم‌افزار MICMAC، استفاده شد و نهایتاً با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار SMART PLS، اعتبارسنجی شد. از تحلیل محتوای مصاحبه خبرگان در مرحله کدگذاری باز ۳۱۴ کد اولیه شناسایی گردید و پس از غربال و شناسایی، در نهایت ۵۴ مؤلفه و ۱۳ بعد تحت عناوین سیاست‌های اشتغال رهبری، محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی)، زیر ساخت فرهنگی، عنوان نقش دولت، نقش قانون‌گذاران، تعاملات نهادها و شبکه‌ها، زیر ساخت مالی، زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی، مدیریت و منابع انسانی، ساختار سازمان‌های مجری، اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی آموزش عالی کشور و اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی آموزش عالی کشور و تحقق دانشگاه کارآفرین، به‌عنوان عوامل اجرای خط‌مشی شناسایی شدند.

واژگان کلیدی: اجرای خط‌مشی، اکوسیستم آموزش عالی کشور، دانشگاه کارآفرین.

■ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

■ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

^۱. دکتری تخصصی مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

^۲. استادیار، گروه مدیریت، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

^۳. استادیار گروه هیات و معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

مقدمه

مطالعات صاحب‌نظران نشان می‌دهد نقش آموزش به‌ویژه آموزش عالی که معرف بالاترین سطح تفکر و علم یک جامعه محسوب می‌شوند و اصول جهان‌بینی، نظام اعتقادی و ارزشی جامعه را در خود متجلی می‌سازند، به طور روزافزون در حال گسترش است. مسئولیت اجتماعی دانشگاه و بالارفتن انتظار از آن، دانشگاه را به تأثیرگذارترین سازمان‌های امروزی در کشورهای در حال توسعه تبدیل کرده لیکن در حال حاضر، سطح تحصیلات در آموزش عالی بیشتر به‌عنوان یک توان یا استعداد بالفعل در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که فارغ‌التحصیلان برای صعود به قله اشتغال، به مهارت نیز نیاز دارند. یکی از عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی توجه خاص به نظام آموزشی است. از بررسی منابع و آثار موجود در زمینه کارآفرینی روشن می‌شود که این واژه اولین بار در تئوری‌های اقتصادی و توسط اقتصاددانان به وجود آمده و سپس وارد مکاتب و تئوری‌های سایر رشته‌های علوم شده است. کارآفرینی عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده و در عصر حاضر عنصر حیاتی نظام آموزش عالی است (کلافتن و همکاران، ۲۰۱۹). در حال حاضر به طور متوسط در تمام کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در همه پایه‌های تحصیلی، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر چگونگی عملکرد نظام آموزش کارآفرینی تحت تأثیر تصمیمات راهبردی متخصصان این حوزه است. به عبارتی خط‌مشی‌های وضع شده جهت و مسیر این حرکت را تعیین می‌کند (گوریو و همکاران، ۲۰۱۸).

مطالعات نشان داده است شکاف علمی کشور از بازارهای اقتصادی از سویی ضعف اطلاعاتی دانشگاه‌ها درباره نیازها و اولویت‌های بخش کسب‌وکار را به همراه داشته و آموزش فعلی به بهبود نقش و مهارت دانش‌آموختگان در سطح بازارهای اقتصادی کشور نمی‌انجامد و از سوی دیگر صنعت، تجارت و بازار ایران را فاقد یک ریشه علمی و متکی به دانش روز نموده است و در حال حاضر فاصله بسیار زیادی بین نیاز بازارهای اقتصادی از دانش و آنچه دانش‌آموختگان می‌دانند وجود دارد. روند روبه‌رشد افزایش جمعیت کشور، ترکیب جمعیتی جوانان، ناتوانی بخش‌های تولیدی در جذب نیروی کار، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و عواملی نظیر این حاکی از آن است که مشکلات عدیده‌ای نظام فعلی آموزش عالی به طور عام و آموزش کارآفرینی به طور خاص را تهدید می‌کند. اینکه سرمایه‌انسانی را چگونه به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه منطبق با فرهنگ و سنت‌های اسلامی سوق دهیم و یا چگونه روحیه کار و فرهنگ کارآفرینی را در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان تقویت کنیم، فضای کسب‌وکار را بهبود بخشیم و شغل پایدار ایجاد نماییم، سؤالات مهمی است که در مدیریت و رشد اقتصادی مداوم و پایدار کشور و تحقق ابر خط‌مشی‌های

موردنظر حائز اهمیت است و سیاست‌گذاران کلان کشور می‌بایست جهت رفع این معضل در جستجوی راه‌حل‌هایی باشند.

مشکل بیکاری پیامدهای احتمالی مختلفی دارد از جمله: احساس بی‌ارزشی در فرد، فقر و تنگدستی و مشکلات خانوادگی، بزهکاری و آلوده شدن به اعتیاد و عقب‌ماندگی کشور از نظر اقتصادی. یکی از راهکارهای ویژه برای کاهش نرخ بیکاری و رشد اقتصادی، کارآفرینی است. توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌تواند راهگشای این معضل باشد. هرچند تحلیل سیاست‌ها نشان می‌دهد که کارآفرینی مطابق با فرهنگ غنی اسلامی به‌عنوان راهبرد مقابله با بحران‌های اقتصادی همواره موردتوجه بوده و در قوانین بالادستی نیز بر نقش بسزای آموزش عالی کشور در نظام کارآفرینی، تقویت فرهنگ جهادی توسعه، ترویج تولید و ایجاد اشتغال پایدار تأکید شده است لیکن رتبه پایین کشور در عرصه سیاست‌های کلان کارآفرینی، عدم تعامل و اعتماد بین صنعت و دانشگاه، فقدان مدیریت کشف خلاقیت‌ها و استعداد پروری، فرایند معیوب و مفقود تبدیل دانش به ثروت، روند روبه‌رشد بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، ناتوانی بخش‌های تولیدی در جذب نیروی کار و ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی همچنان جزء مسائل مهم این حوزه هستند.

مسائل مزبور همواره جز دغدغه اصلی و مورد تأکید مقام معظم رهبری بالخصوص در ابر خط‌مشی‌های ابلاغی اشتغال و اقتصاد مقاومتی بوده است، لیکن به نظر می‌رسد مولفه‌های اثرگذار اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها جهت دستیابی به این اهداف مورد کم‌توجهی قرار گرفته و عمده مباحث حول این موضوع گذرا و مقطعی بوده است و در سایه ساختار نهادی معیوب و زیرساخت‌های ناکافی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های این حوزه اجرا نشده و یا نیمه‌راه رها شده است.

در این شرایط ضروری است دانشگاه‌ها برای توسعه توانایی‌ها و مهارت‌های موردنیاز بازارهای اقتصادی کشور در شناخت و ارزیابی ایده‌های اقتصادی به طور تخصصی سازماندهی شوند. به عبارتی دانشگاه‌ها باید دنباله‌روی ایده‌های جدید بوده و از شیوه‌های کارکردی فعلی خود فراتر روند و دورنمایی به روندهای آینده نیز داشته باشند. اهم راهکارهایی که دانشگاه‌ها از طریق آن می‌توانند به این مهم دست یابند عبارت‌اند از: استقرار دانشگاه کارآفرین و پیاده‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های مراکز پژوهشی جهت انجام تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی است چرا که یکی از وجوه و منظرهای کلیدی این نوع دانشگاه توسعه مهارت‌های شغلی، حرفه‌ای و توانمندسازی دانشجویان و استادان همسو با فرایند توسعه ملی و حل مسائل جامعه به روش علمی است.

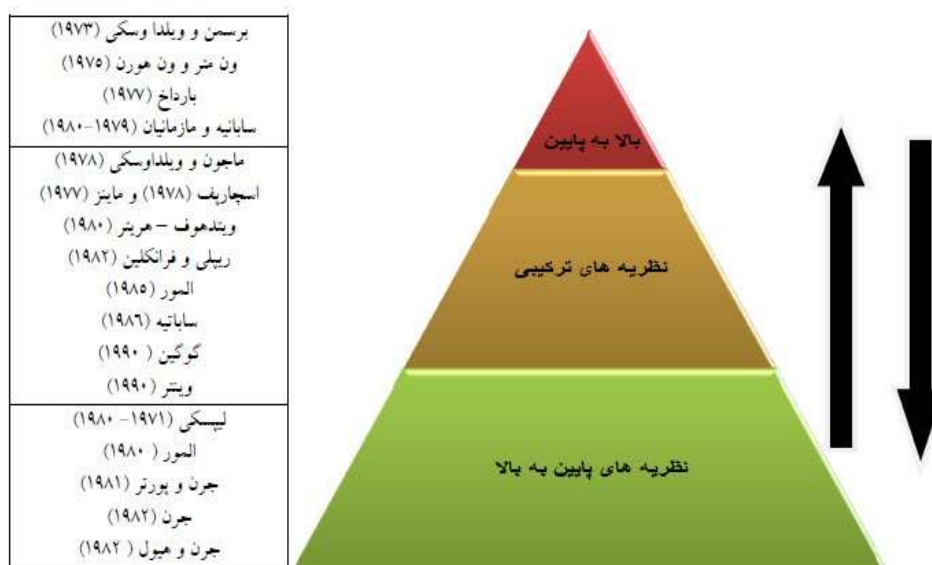
لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی کشور در راستای تحقق دانشگاه کارآفرین کدام است؟ و این عوامل دارای چه ارتباطی هستند؟

مروری بر مبانی نظری:

خط‌مشی از ریشه سیاست است و بهترین تعریفی که از آن ارائه شده، تخصیص مقتدرانه ارزش‌هاست. خود ارزش هم همان جهت‌گیری‌های فکری پایاست که مبنای رفتار قرار می‌گیرد (قلی‌پور، ۱۳۹۶). خط‌مشی مسیری برای اقدامات مشخص است که هدایت، رهنمود و جهت‌گیری برای نیل به اهداف معین کلی و جزئی مدنظر دولت را فراهم می‌کند (بارتولوم و چوکومکا، ۲۰۱۳). یکی از تأثیرگذارترین تعاریف در مورد اجرای خط‌مشی تعریفی است که مازمانیان و ساباتییه ۱ ارائه کرده‌اند: «اجرای خط‌مشی عبارت است از انجام یک تصمیم سیاسی عمده که معمولاً در راستای یک قانون است و درعین حال می‌تواند شکلی از دستورهای مهم اجرایی یا تصمیمات قضایی را نیز در برگیرد. تصمیم مذکور، مشکلات مختلف را شناسایی می‌کند تا به آن‌ها رسیدگی شود؛ اهداف را به‌منظور پیگیری تصریح می‌نماید و به روش‌های مختلف، فرایند اجرا را ساختار بندی می‌کند. فرایند اجرا معمولاً با تصویب قوانین و سیاست‌های اصلی آغاز می‌شود و با خروجی تصمیمات نهادهای اجرایی، تبعیت گروه‌های هدف از آن تصمیمات، شناسایی اثرات واقعی پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده خروجی (آن تصمیمات)، سنجش پیامدها و اثرات مورد انتظار (ناشی از تصمیمات نهادهای) و نهایتاً با بازنگری یا تجدیدنظر قانون اولیه، ادامه می‌یابد» (مازمانیان و ساباتییه، ۱۹۸۳). اتول اجرای خط‌مشی را به‌عنوان آن چه میان دو دامنه ایجاد یک نیت آشکار برای انجام دادن برخی از امور یا توقف آن‌ها و اثرات غایی آن در عالم واقع، تعریف می‌کند. به طور دقیق، او اجرای خط‌مشی را به رابطه میان بیان نیت دولتی و نتایج واقعی می‌داند (برکه و مک‌گارگیل، ۲۰۱۲). درک اجرای خط‌مشی عمومی به این دلیل اهمیت دارد که بسیاری از برنامه‌های اجتماعی از طریق منابع مالی عمومی تأمین می‌شود. این برنامه‌ها از طریق خط‌مشی عمومی شکل گرفته و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. مردم و جامعه از دولت انتظار دارند که منابع و امکانات عمومی را به درستی مورد بهره‌برداری قرار دهند؛ آن‌ها انتظار دارند دستگاه‌های دولتی بهترین شیوه را برای رسیدن به اهداف نهایی جامعه برگزینند؛ اما آنچه در واقع و به طور عملی مشاهده می‌شود این است که بسیاری از خط‌مشی‌های تدوین شده، در مرحله اجرا با مشکل مواجه شده‌اند.

رویکردهای اجرای خط‌مشی عمومی:

در مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی برای اجرای خط‌مشی، چارچوب‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای متنوعی وجود دارد. با مطالعه نظریه‌های دانشمندان علم خط‌مشی‌گذاری، رویکردهای اجرای خط‌مشی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد که عبارتند از: رویکرد بالا به پایین، رویکرد پایین به بالا، رویکرد ترکیبی یا تعاملی شبکه.



شکل ۱: نظریه‌پردازان رویکردهای اجرای خط‌مشی (پولزل و تریب، ۲۰۰۷)

خلاصه نظریه و تئوری‌های اجرای خط‌مشی

اجرای خط‌مشی به عنوان حلقه مفقوده‌ای تلقی می‌شده، در همین راستا تئوری‌های مختلفی در زمینه اجرا برای یافتن این حلقه مفقوده توسط محققان خط‌مشی دولتی ایجاد شد که در جدول ۲-۲ به آن اشاره می‌گردد (گیوریان و ربیعی، ۱۳۹۴).

جدول ۱: خلاصه تئوری‌های اجرای خط‌مشی‌ها (گیوریان و ربیعی، ۱۳۹۴)

عنوان تئوری	شاخص‌ها/مؤلفه‌ها/متغیرها
اجرا به عنوان یک فرایند خطی	استانداردها و اهداف، منابع، ارتباطات و اقدامات بین سازمانی، ویژگی‌های دستگاه‌های اجرایی، گرایش‌ها مجریان، وضعیت‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی
اجرا به عنوان سازگاری متقابل سیاست‌ها	میزان علاقه، تعهد و پشتیبانی بازیگران اصلی خط‌مشی

اجرا به‌عنوان بازی (سیاسی)	یادگیری قواعد بازی، به‌کارگیری تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مناسب، کنترل جریان ارتباطات و رویارویی با بحران‌ها و شرایط عدم اطمینان
اجرا به‌عنوان شرایطی برای دستیابی اثربخش به اهداف	شرایط محیطی (دستگاه‌های مجری، افراد مجری، گروه‌های هدف، وضعیت اجتماعی، سیاسی) عامل موفقیت یا عدم موفقیت اجرا است
اجرا به‌عنوان یک فرایند رهبری خط‌مشی دورانی	رهبری عامل هماهنگی بین تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌ها
اجرا به‌عنوان یک تئوری اقتضایی	شرایط مختلف و زمان تعاملات عامل اثرات متفاوت بر اجرای خط‌مشی
اجرا به‌عنوان یک تجزیه و تحلیل موردی	مشارکت و همکاری دولت، مفید بودن استانداردهای دستگاه‌های اجرایی، تعهد دستگاه اجرایی نسبت به خط‌مشی‌ها، حمایت مقامات عالی‌رتبه از خط‌مشی‌ها، توسعه نسبت‌های هزینه - فایده مناسب
اجرا به‌عنوان فعالیتی ارتباطی	تعامل مناسب بین بازیگران خط‌مشی و گروه‌های هدف، یادگیری و فراگیری بیشتر

نیازمندی‌های اجرای خط‌مشی:

۱. سازمان: تأمین کردن یک سازمان که تفویض اختیار به آن و کارکنان از نیازهای اجرایی خط‌مشی است. همچنین سازمان باید با شرایط اجرا متناسب باشد. ساختار، تکنولوژی، روش‌های اجرایی و غیره با خط‌مشی متناسب باشد. اگر اجرا همیشه توسط سطوح پایین سازمان و تصمیم‌گیرندگان از سطوح عالی باشد، تناقض به وجود می‌آید. به‌خصوص وقتی مجریان از خط‌مشی‌گذاران نباشند.
۲. تفسیر اهداف خط‌مشی: معمولاً سطوح عالی مؤسسات اجرایی باید اهداف خط‌مشی‌ها را در قالب دستورالعمل و مقررات نمایندگان پیاده‌سازی نمایند که این مهم این کار ساده‌ای نیست و گاهی اوقات مسائل جدیدی حین اجرا پیش می‌آید که نیاز مبرم به شفاف‌سازی اهداف دارد.
۳. کاربرد خط‌مشی در عمل: سازمان باید منابع لازم را برای به کار انداختن خط‌مشی اختصاص دهد و حدود رفتار مجریان را تعیین کند (شکیبا و مهربان، ۱۳۹۹).

دانشگاه کارآفرین:

امروزه کارکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دگرگون شده و نقش‌آفرینی آنها در رشد و توسعه اقتصادی کشورها افزایش یافته است (آدرتچ و بلیتسکی، ۲۰۲۱). دانشگاه‌های کارآفرین به‌عنوان قانون

دانش‌های پیشرفته، با اجرای مأموریت‌های متعدد به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند و با بهره‌برداری از دانش به‌مثابه فرصت کارآفرینی، شتاب‌دهنده توسعه اقتصادی و اجتماعی است (اورتیز و همکاران ۲۰۱۷؛ کانینگهام و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به فرایند جهانی‌شدن و دانش‌مدار بودن اقتصاد، کشورهایی قادر هستند در اقتصاد خود تحول ایجاد نموده و جایگاه جهانی برای خود پیدا و حفظ نمایند که با توجه به نهادهای علمی و تحقیقاتی، بتوانند در تولید علم و افراد فرهیخته و کارآفرین و مدیریت آن نسبت به رقبای پیشی بگیرند؛ بنابراین دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، به‌عنوان رکن اساسی در تولید علم و افراد فرهیخته و به‌عنوان محور اصلی در تبدیل ایده به محصول و یا تبدیل دانش به صنعت، باید مورد توجه قرار گیرند. دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است که کارآفرینی علمی در آن بتواند نیرویی برای رشد اقتصادی ایجاد کند و باعث رقابت در بازارهای جهانی شود (سونیتا و همکاران، ۲۰۲۱). اهمیت حرکت به سمت دانشگاه‌های هزاره سوم تا حدی است که به‌عنوان یک بسته زمینه‌ای در مجموع بسته‌های تحول و نوآوری در آموزش عالی کشور مدنظر قرار گرفته است. در واقع دانشگاه‌های کارآفرین از جنبه سازمانی به نحوی مدیریت می‌شوند که دارای توانمندی انعطاف‌پذیری در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی - اقتصادی و راهبرد توجه به فرصت‌های محیطی باشند (بلک مور^۱، ۲۰۲۱). در این دانشگاه‌ها کارآفرینی تبدیل به بخشی از راهبرد اصلی دانشگاه شده و پی‌آمد آن توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه است (توشمالی و همکاران، ۱۳۹۹). دانشگاه کارآفرین رویکردی مبتنی بر رابطه صنعت و دانشگاه دارد و در کشور ایران که افراد تحصیل کرده و بیکار زیادی وجود دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. روند رشد جمعیت کشور، ترکیب جمعیتی جوانان، ناتوانی بخش‌های تولیدی در جذب نیروی کار، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و عواملی نظیر این، دلایلی هستند که باعث شده تا سیاست‌گذاران کلان کشور جهت رفع آن‌ها در جستجوی راه‌حل‌هایی باشند و این راهکار چیزی جز مقوله کارآفرینی نیست؛ زیرا این مقوله سهم به‌سزایی در توسعه اقتصادی کشورها دارد (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸).

ضرورت و پیشینه پژوهش

رشد و توسعه اقتصادی جوامع مرهون کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه است؛ از این رو لازمه دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها، آموزش کارآفرینی است و این مهم در سایه افزایش سطح آموزش‌های دانشگاهی با رویکرد پژوهش و مهارت‌آموزی اتفاق می‌افتد. آموزش از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به توسعه اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نظریه سرمایه انسانی، تحصیلات بیشتر و هر نوع مهارت و آموزشی در افراد ظرفیت و قابلیت ایجاد می‌کند که می‌تواند جریان درآمدی بیشتر در آینده

1. Blackmore

به وجود آورد؛ بنابراین آموزش و افزایش توانایی مهارت به منزله سرمایه‌هایی است که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگری بازدهی اقتصادی دارد. از این رو با گسترش دانشگاه‌ها و آموزش‌های دانشگاهی با رویکرد کارآفرینی و مهارت‌آموزی نه تنها سرمایه انسانی مورد نیاز جامعه تربیت شده، بلکه زیرساخت‌های فکری و فرهنگی جامعه نیز برای برخورداری از روش‌ها و فناوری‌های نو فراهم شده است (دالمارکو و همکاران، ۲۰۱۸).

از این منظر آموزش عالی را می‌توان مؤثرترین روش سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دانست که با آموزش و دانش‌افزایی و ارتقا نگرش و مهارت‌ها، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی لازم را برای توسعه ملی فراهم می‌سازد. لازمه نیل به اهداف سیاست‌های کلی نظام، توسعه ملی، سند جامع علمی کشور قطعاً برخورداری از دانش و فناوری پیشرفته است که تنها در سایه آموزش‌های مبتنی بر کارآفرینی، مهارت‌آموزی و پژوهش محور حاصل می‌شود و مسئولیت آموزش، تولید دانش‌بنیادی و دانش فنی بر دوش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است (دهقانی سلطانی و یوسفی، ۱۳۹۸). پژوهش‌ها حاکی از آن است که نتایج فعالیت‌های تدریس، پژوهش و کارآفرینی در دانشگاه‌ها تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، علاوه بر این تمرکز دانشگاه کارآفرین، بر ایجاد شرکت‌های جدید است که از طریق فعالیت‌های کارآفرینی می‌توانند به رشد اشتغال محلی و افزایش توسعه منطقه‌ای با ترویج مشارکت در منطقه به شناسایی و رفع نیازهای جامعه محلی کمک نمایند.

از نظر دیرینه‌شناسی با گذر زمان، عملکرد نظام‌های دانشگاهی به انحای مختلف تغییر کرده و از مفهوم برج عاجی خود خارج و به یک نهاد مشارکتی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی در جامعه تبدیل شده است. به طور خاص در کشور ما، بیشتر دانشگاه‌ها در نسل اول و تعداد محدودی از آن‌ها در نسل دوم به سر می‌برند و هنوز نسل سوم دانشگاه‌ها (کارآفرین) در ایران به‌طور جدی توجه نشده است. ضرورت استقرار دانشگاه‌های هزاره سوم (کارآفرین) به این دلیل احساس می‌شود که بسیاری از دانش‌آموختگان به‌خاطر نداشتن مهارت‌های کارآفرینی و فنی لازم در بازار کار توفیق چندانی نمی‌یابند و بیکار می‌مانند. در اصل، عدم ارتباط صنعت و دانشگاه، باعث شده است که با وجود افراد متخصص و خلاق در کشور، فارغ‌التحصیلان زیادی در کشور بیکار باشند. ویژگی اساسی دانشگاه کارآفرین جنبه‌های اقتصادی، کارایی و رقابت‌پذیری آن در مقایسه با سایر مدل‌های دانشگاهی است. در واقع این نوع دانشگاه در مورد نیازهای اقتصادی و اجتماعی پاسخگوتر از دانشگاه سنتی است.

بنابراین، آموزش کارآفرینی در ایران که اجرایی و عملی‌ترین استراتژی برون‌رفت از بن‌بست‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور است، نیازمند اجرای خط‌مشی‌هایی است که مبنی بر تجربیات

کشورهای پیشرفته و جهان‌سومی از یک طرف و شرایط بومی کشور از طرف دیگر برای تحقق دانشگاه کارآفرین باشد. اگر دانشگاه‌های کشور گذار خود را به دانشگاه‌های نسل سوم (کارآفرین) طی کنند، جایگاه آن‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان تبیین خواهد شد و وابستگی شان به بودجه‌های دولتی به حداقل خواهد رسید. اهمیت حرکت به سمت دانشگاه‌های هزاره سوم از نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تا حدی است که همواره در اسناد کلان آموزش عالی از قبیل سند جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌های آموزش عالی مدنظر قرار گرفته است؛ لیکن در این زمینه اقدامات محدودی (از جمله ارائه واحدهای درسی در این زمینه و تأسیس دانشکده‌های کارآفرینی و شکل‌گیری پارک‌های علم و فناوری و انجام پژوهش‌های موسمی) انجام شده و اهداف خط‌مشی‌ها محقق نگردیده؛ از این رو شناسایی و تبیین عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی به منظور تحقق دانشگاه کارآفرین منطبق با فرهنگ و سنت‌های ایرانی و اسلامی کشور و دستیابی به اهداف ابر خط‌مشی‌های کلی اشتغال مستلزم پژوهش است.

ابراهیمیان و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای تحت عنوان «مدل اجرای خط‌مشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست‌های علم و فناوری» به انجام رساندند. این پژوهش از نظر روش آمیخته و در بخش کیفی از نوع تحلیل محتوا و در بخش کمی توصیفی پیمایشی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان علمی حوزه کارآفرینی و مدیریت آموزش عالی و مدیران دانشگاه آزاد اسلامی بود و جامعه آماری بخش کمی شامل ۲۱۲ نفر از مدیران و سرپرستان شاغل در سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه محقق ساخته بود. نتایج نشان داد که مدل اجرای خط‌مشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست‌های علم و فناوری شامل سه بعد حمایت‌ها، الزامات و تعاملات با ۲۰ مؤلفه و ۹۶ شاخص است. نتایج تحلیل‌های کمی نیز مؤید معنی‌داری ارتباط بین شاخص‌ها و مؤلفه‌های مدل تحقیق بود.

علوی و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه‌ای تحت عنوان «طراحی الگوی حکمرانی دانشگاه نسل سوم با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع» انجام دادند. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی توسعه‌ای، کاربردی بود جامعه آماری در بخش فراترکیب، شامل مطالعات مربوط به حکمرانی دانشگاهی در قالب مقالات، کتب و گزارش‌ها و در بخش مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع، شامل گروهی از خبرگان حوزه حکمرانی دانشگاهی در دانشگاه شیراز از گروه اساتید مدیریت و مدیریت آموزش عالی بود. در فرایند اجرای پژوهش، ضمن شناسایی ابعاد و شاخص‌های الگوی حکمرانی دانشگاه نسل سوم از طریق روش فراترکیب، این ابعاد از نظر درجه تأثیرگذاری بر یکدیگر نیز باتوجه به رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری

جامع سطح‌بندی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی در قالب ۲۷ شاخص و شش بعد قابل‌دسته‌بندی هستند. این ابعاد و شاخص‌ها شامل استقلال دانشگاهی (شاخص استقلال آموزشی، پژوهش، فناوری، استقلال مالی و استقلال اداری دانشگاه)، مشارکت ذی‌نفعان (مشارکت ذی‌نفعان مختلف)، پاسخگویی (پاسخگویی حرفه‌ای، قانونی، سلسله‌مراتبی و اجتماعی)، نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت (نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت عملکرد دانشگاه)، شفافیت (کیفیت اطلاعات شفاف شده، دامنه شفافیت و ابزارهای شفافیت) و مدیریت ریسک (مالی، اداری/سازمانی، محیطی، عملیاتی و اعتباری) هستند.

کرو، ویتمن و اندرسون (۲۰۲۰) در مطالعه الگوهای مختلف حکمرانی دانشگاهی، این الگوها را در هفت بعد شامل هدف از الگوی حکمرانی، جهت‌گیری ارزشی، نحوه بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی دانشگاه، سبک مدیریتی بر دانشگاه، سازوکارهای پاسخگویی، سازوکارهای تأمین مالی و دامنه تأثیرات دانشگاه بر محیط بیرونی خود تفکیک نموده و از این الگوها تحت عنوان الگوهای آکادمیک، بروکراتیک، بازار محور و بنگاه آکادمیک نام برده‌اند.

یافته‌های تحقیق فیگوئروا هونچو و همکاران (۲۰۲۰) در خصوص چالش‌های اجرایی خط‌مشی‌های عمومی اظهار کردند که یک مدل از اجرا باید به ارزش و علائق، ابزار خط‌مشی‌گذاری، ساختار یا طراحی سازمانی و گروه‌های هدف توجه داشته باشد؛ بنابراین اجرای خط‌مشی‌های عمومی تحت تأثیر طراحی و پیش‌داوری‌هایی که شامل ابزارهای انتخاب شده سیاست‌ها، سازمانی که آن را مدیریت می‌کند، در دسترس بودن منابع، نوع بازیگران مداخله‌کننده و گیرندگان است در میان یا سایر جنبه‌ها قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، اجرا باید به نقش‌های متصور توسط بازیگران مختلف توجه کند و تعامل بین سیاست‌های عمومی و طراحی اداری سیاسی، منابع موردنظر و کانال‌های ارتباطی را در نظر بگیرد که به‌طور کلی توضیح مناسبی برای ارائه مدل بر مبنای ابعاد سه‌شاخگی است.

هیتون و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اکوسیستم‌های کارآفرینی دانشگاهی با رویکرد قابلیت‌های پویا پرداختند. در این مطالعه، روش پژوهش کیفی و کمی استفاده شده است. در این مقاله ابتدا به بررسی چارچوب‌های تئوریک ارائه شده مانند ماریچ سگانه در رابطه با تشکیل اکوسیستم‌های نوآوری در دانشگاه پرداخته شده است. در ادامه بر اساس تئوری قابلیت‌های پویا، چارچوب جدیدی ارائه شده و کاربردی بودن این چارچوب از طریق سه مطالعه مورد در دانشگاه‌های مختلف بررسی شده است. نتایج نشان

1. Figueroa Huencho et al

2. Heaton et al

داد که بر اساس چارچوب قابلیت‌های پویا عواملی چون حمایت دولتی، ایجاد خط‌مشی و سیاست‌گذاری اقتصاددانش بنیان و حضور صنایع و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه منجر به توسعه اکوسیستم‌های نوآوری و توسعه اقتصادی دانشگاهی می‌شود.

مرور پیشینه این پژوهش نیز، مؤید آن است که تحقیقات، مطالعات میدانی و پژوهش‌هایی که در زمینه اجرای خط‌مشی‌های عمومی در جوامع در حال توسعه، از جمله ایران انجام شده کافی نبوده است و با وجود اهمیت اجرای سیاست‌های کلان و خط‌مشی‌های کلیدی در دستگاہی اجرایی که منجر به مرتفع شدن یک مسئله عمومی در کشور می‌گردد، به نظر می‌رسد تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص تبیین عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی برای تحقق دانشگاه کارآفرین صورت نگرفته است و به‌نوعی نوآوری این پژوهش نیز محسوب می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و تبیین عوامل اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم آموزش عالی کشور در راستای تحقق دانشگاه کارآفرین بود؛ لذا، در زمره پژوهش‌های کاربردی با ماهیت اکتشافی قرار می‌گیرد که با رویکرد آمیخته انجام شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی را خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران در عرصه اجرای خط‌مشی‌ها و کارآفرینی با مدرک دکتری و دارای حداقل ۱۰ سال سابقه کاری در معاونت‌های دانشجویی، فرهنگی و آموزشی وزارت علوم/دانشگاه و حداقل دو سال سابقه مدیریت در وزارت علوم/دانشگاه تشکیل می‌دهند که به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند.

داده‌های موردنیاز در مرحله کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری گردید. با توجه به قاعده اشباع نظری در مصاحبه دوازدهم تکرار و تشابه داده‌ها مشاهده و بنابراین به همین تعداد مصاحبه اکتفا شد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوا در قالب شش مرحله (آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی محتواها، بازبینی محتواها، تعریف و نام‌گذاری محتواها و تهیه گزارش) و نرم‌افزار مکس کیودا ۱۱ صورت گرفت و مفاهیم و مؤلفه‌ها استخراج گردید. پس از آن به اعتبارسنجی مؤلفه‌های حاصل از تحلیل کیفی مصاحبه‌های تخصصی پرداخته شده است. برای غربال و شناسایی مؤلفه‌های نهایی و به‌منظور حصول اجماع گروهی از روش دلفی استفاده شده است. سپس، در خصوص نتیجه تحلیل محتوا، از تکنیک دلفی فاز دوم استفاده شد در این مطالعه نیز برای فاز دوم دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. بدین ترتیب که با استفاده از معیارهای نهایی مستخرج، پرسش‌نامه‌ای تهیه گردید و جهت نمره‌دهی بین یک تا ده، در اختیار خبرگان قرار گرفت؛ پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، معیارهایی

که میانگین نمره نظرات آنها بیشتر از هفت بود، به عنوان معیارهای نهایی انتخاب گردید. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۷ درجه گردآوری شده است. در راند اول شاخص‌های بهبود ساختار نهادهای علمی - تحقیقاتی و زیرساخت‌های فناوری، برگزاری جشنواره‌های ایده و کارآفرینی باهدف معرفی الگوهای موفق فردی در حوزه‌های کسب و کار نوین، افزایش ظرفیت فرصت‌های مطالعاتی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اساتید و ایفای نقش مؤثر در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه امتیازی کمتر از آستانه تحمل کسب کردند و حذف گردیدند. مواردی که امتیازی بالای ۰/۷ کسب کرده‌اند برای راند دوم استفاده شدند. در راند دوم ۵۶ شاخص بر اساس دیدگاه خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفت. تقویت ارزش‌ها و باورهای اسلامی مدیران، اساتید و دانشجویان و همکاری دانشگاه‌های داخلی و خارجی در قالب طرح‌های کسب و کار دانشگاهی حذف شدند. شاخص‌های باقی‌مانده برای راند سوم مورد استفاده قرار گرفتند. در راند سوم ۵۴ شاخص بر اساس دیدگاه خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفت و هیچ شاخصی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است بااین وجود برای حصول اطمینان بیشتر یک راند دیگر نیز ادامه یافت. به‌طور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات دو راند متوالی باهم مقایسه شوند. در صورتی که اختلاف بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم (۰/۲) کوچک‌تر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود (چنگ و لین، ۲۰۰۲). بر اساس نتایج مشخص گردید که در تمامی موارد اختلاف کوچک‌تر از ۰/۲ است بنابراین می‌توان راندهای دلفی را به پایان برد.

برای بررسی اعتباربخش کیفی پژوهش، اعتبار سازه‌ای، اعتبار درونی و اعتبار بیرونی مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب که با جمع‌آوری داده از منابع متعدد که مقیاس‌های متعددی را برای یک پدیده فراهم می‌سازد، ایجاد تثلیث از پرسش‌های مصاحبه، تحلیل موارد منفی و انعطاف‌پذیری چهارچوب تئوریک پیشنهاد شده اعتبار سازه‌ای مورد تأیید قرار گرفت؛ انتخاب نمونه برای پرمایگی اطلاعات اعتبار درونی و انتخاب نمونه برای تکرارپذیری تئوریک، اعتبار بیرونی را تعیین نمود. پایایی پژوهش نیز با استناد به ضریب هولستی^۱ (طبق رابطه ۱) مورد ارزیابی قرار گرفت؛ بدین ترتیب که متن مصاحبه‌های انجام شده در دو مرحله کدگذاری و سپس درصد توافق مشاهده‌شده^۲ محاسبه گردید. $PAO = \frac{2M}{N1+N2} = \frac{236}{298+365} = 0.712$ با توجه به این که در پژوهش حاضر، مقدار PAO برابر ۰/۷۱۲ شده است؛ بنابراین پایایی بخش کیفی مطلوب برآورد گردید.

1. Holsti

2. Percentage of Agreement Observation (PAO)

جامعه آماری در بخش کمی، اعضا هیئت علمی و مدیران آموزش عالی کشور هستند که بسیار بزرگ بوده؛ بنابراین اقدام به نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای شد. در نهایت اعضا هیئت علمی فعال و مدیران وزارت عتف و دانشگاه‌های منتخب به تعداد ۴۹۴۰ نفر به عنوان حجم جامعه انتخاب شدند. برای تخمین حجم نمونه از فرمول کوهن استفاده شد و حداقل حجم نمونه آماری ۵۰۰ نفر برآورد گردید. سپس، تعدادی از جامعه آماری تعیین شده به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و بدین ترتیب نمونه آماری پژوهش (مشکل از اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه‌های منتخب و ستاد عتف) به تعداد ۵۰۰ نفر شکل گرفت. پرسش‌نامه این بخش به صورت الکترونیکی بین ۱۰ گروه دانشگاهی فعال در شبکه‌های مجازی بالغ بر ۱۰۰۰ نفر عضو ارسال شد و صرفاً ۳۸۰ نفر نسبت به تکمیل و پاسخ اقدام نمودند که ملاک عمل قرار گرفت.

در بخش کمی به دلیل گستردگی مقوله‌ها و افزایش میزان اعتبار و دستیابی به نتایج تحقیق، از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری ISM (برای شناسایی، سطح‌بندی و تعیین قدرت نفوذ و وابستگی شاخص‌ها) استفاده شد. پرسش‌نامه بخش کمی با بهره‌گیری از یافته‌های بخش کیفی تدوین و بین نمونه آماری توزیع شد. داده‌های کمی با نرم‌افزار آزمون تحلیل معادلات ساختاری Smart PLS تحلیل و با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی تأیید و اعتبارسنجی شد. در مدل‌های تکنیک حداقل مربعات جزئی دو مدل آزمون می‌شود: مدل‌های بیرونی: رابطه گویه‌ها با ابعاد و مدل‌های درونی: رابطه ابعاد با یکدیگر. برای ارزیابی اعتبار مدل بیرونی (اندازه‌گیری) از شاخص روایی (همگرا و اگر)، پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ استفاده شده است که به وسیله میانگین واریانس استخراجی و آزمون فورنر و لارکر صورت گرفت. برای روایی همگرا، و پایایی ترکیبی (CR) باید روابط زیر برقرار باشد: $CR > 0.7$; $CR > AVE$; $AVE > 0.5$ ؛ بزرگ‌تر از ۰/۵ است؛ بنابراین روایی همگرا وجود دارد. آلفای میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگ‌تر از ۰/۷ بوده؛ بنابراین پایایی مورد تأیید است. مقدار پایایی ترکیبی (CR) نیز بزرگ‌تر از AVE است و در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگ‌تر است؛ بنابراین شرط سوم نیز برقرار است. روایی واگرا دیگر معیار سنجش برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش PLS است. جذر AVE که برای هر سازه گزارش شده است (قطر اصلی) از همبستگی آن با سایر سازه‌های مدل بیشتر است که این موضوع بیانگر روایی واگرایی قابل قبول برای مدل‌های اندازه‌گیری است.

در مدل درونی روابط میان سازه‌های اصلی پژوهش در بخش ساختاری بررسی شده است. شاخص‌های متعددی برای ارزیابی میزان برازش ساختاری وجود دارد (ضریب تشخیص، معیار استون - گیزر، شاخص اندازه اثر) که هر یک از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. شاخص GOF برازش کلی بر اساس هر دو

بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را ارزیابی می‌کند. شاخص GOF برابر ۰/۳۸۵ به دست آمده است؛ بنابراین از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۲: خلاصه نتایج ارزیابی برازش ساختاری

GOF	F2	Q2	R2	سازه‌های اصلی
۰/۳۸۵	۰/۳۶۷	۰/۳۱۲	۰/۲۸۶	اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی آموزش عالی کشور
	۰/۴۲۶	۰/۱۰۶	۰/۶۷۳	اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی آموزش عالی کشور
	-	۰/۲۵۳	۰/۵۶۱	تحقق دانشگاه نسل سوم
	۰/۶۲۷	۰/۲۲۵	۰/۴۷۹	تعاملات نهادها و شبکه‌ها
	۰/۳۰۷	۰/۲۳۱	-	زیرساخت فرهنگی
	۰/۴۳۶	۰/۴۳۶	۰/۳۱۶	زیرساخت مالی
	۰/۳۱۳	۰/۱۶۶	۰/۳۰۱	زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی
	۰/۳۰۴	۰/۱۶۱	۰/۴۹۰	ساختار سازمان‌های مجری
	۰/۳۹۴	۰/۲۸۰	-	سیاست‌های کلی اشتغال
	۰/۷۰۳	۰/۷۰۳	-	محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی)
	۰/۲۵۷	۰/۲۵۷	۰/۷۱۳	مدیریت و منابع انسانی
	۰/۱۷۵	۰/۳۳۱	۰/۶۴۵	نقش دولت
	۰/۳۳۱	۰/۳۳۹	۰/۵۶۶	نقش قانون‌گذاران

یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در روش‌شناسی پژوهش ارائه گردید، تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوا صورت گرفت و از این طریق، مفاهیم و مقوله‌ها مشخص گردید. در مرحله کدگذاری باز، برای تعیین ایده‌های موجود در مصاحبه‌ها، متن آن‌ها چندین بار مطالعه و با استفاده از کدهای زنده، علامت‌گذاری و ایده‌های تکراری شناخته شد. به عبارتی، متن مصاحبه‌ها با استفاده از روش مقایسه مداوم به صورت سطر به سطر بررسی و مفهوم‌پردازی گردید. در جدول زیر نمونه‌ای از تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته آورده شده است:

جدول ۳: نمونه‌ای از مرحله اولیه کدگذاری باز مصاحبه (شناسایی مفاهیم)

ردیف	گزاره	کد	کدهای باز (مفاهیم)
۱	با نگاهی اجمالی و گذرا به وضعیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در رسیدن به دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین می‌توان گفت فعالیت‌ها و اقدامات در این راستا به صورت جسته‌وگریخته در برخی دانشگاه‌ها با شدت و ضعف‌هایی آغاز شده و ادامه دارد. لیکن با وجود قریب به ۲۶۰۰ دانشگاه و مرکز آموزش عالی و پراکندگی و گستره آن در سراسر کشور شاهد تحولات جدی و اساسی در حوزه کارآفرینی و اشتغال و رونق اقتصادی نیستیم. متأسفانه بر اساس آمار اعلام شده از مراجع ذی‌ربط تعداد بیکاران تحصیل‌کرده و دارای مدرک دانشگاهی بیشتر از سایرین است. این امر علاوه بر تأثیر و تأثرات روحی و اقتصادی و هدررفت منابع انسانی و سرمایه‌گذاری خانواده‌ها و جامعه برای اخذ مدارک دانشگاهی متأسفانه تأثیر چندانی در رشد و توسعه اقتصادی کشور نداشته است. این در حالی است که در گذشته (قبل از انقلاب) ورود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، تولیدی و حتی خدماتی منشأ تحولات و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه گردید و تأثیرات آنها به مراتب بیش از دوره حاضر بوده است.	I4D1	شروع فعالیت‌ها و اقدامات به صورت جسته‌وگریخته در برخی دانشگاه‌ها با شدت و ضعف‌ها
		I4D2	عدم وجود تحولات جدی و اساسی در حوزه کارآفرینی و اشتغال و رونق اقتصادی
		I4D3	افزایش بیکاران تحصیل‌کرده و دارای مدرک دانشگاهی
		I4D4	تأثیر و تأثرات روحی و اقتصادی
		I4D5	هدرفت منابع انسانی و سرمایه‌گذاری خانواده‌ها و جامعه برای اخذ مدارک دانشگاهی
		I4D6	ورود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، تولیدی و خدماتی به عنوان منشأ تحولات و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه

افزایش مشکلات با وجود شرایط تحریمی و اقتصادی و اجتماعی ناشی از شیوع کرونا	I4D7	البته وجود شرایط تحریمی و اقتصادی و اجتماعی ناشی از شیوع کرونا در سال اخیر مزید بر علت بوده و بر میزان مشکلات و چالش‌ها افزوده است. لیکن با وجود جمعیت میلیونی دانشجویی، دانش آموخته و تعداد اساتید دانشگاه‌ها و جامعه دانشگاهی کشور انتظار می‌رود برای غلبه بر مشکلات و برون‌رفت از وضعیت فعلی و آتی احتمالی نخبگان می‌توانند نقش فعال‌تری ایفا نمایند.	۲
غلبه بر مشکلات و برون‌رفت از وضعیت فعلی و آتی احتمالی	I4D8	برخی آفت‌هایی که می‌توانند تحقق دانشگاه نسل سوم را به تأخیر بیندازد یا با چالش مواجه کند را می‌توان به شرح زیر ذکر کرد:	۳
پرهیز از سیاست‌زدگی، شعارزدگی در اجرای منویات مقام معظم رهبری در تحقق دانشگاه کارآفرین	I4D9	۱- پرهیز از سیاست‌زدگی، شعارزدگی در اجرای منویات مقام معظم رهبری در تحقق دانشگاه کارآفرین	
اتکا و اعتماد به جامعه دانشجویی و دانشگاهی کشور	I4D10	۲- اتکا و اعتماد به جامعه دانشجویی و دانشگاهی کشور	
شناسایی دقیق ظرفیت‌های دانشجویی و دانشگاهی برای برون‌رفت از وضعیت موجود	I4D11	۳- شناسایی دقیق ظرفیت‌های دانشجویی و دانشگاهی برای برون‌رفت از وضعیت موجود	
جلب مشارکت نظام‌مند و سازمان‌دهی شده و هدف‌مند نخبگان کارآفرین برای رشد اقتصادی و توسعه کشور	I4D12	۴- جلب مشارکت نظام‌مند و سازمان‌دهی شده و هدف‌مند نخبگان کارآفرین برای رشد اقتصادی و توسعه کشور	
تدوین سند آمایش از تعداد وضعیت دانشجویان و دانش‌آموختگان به تفکیک منطقه‌ای، استانی و شهرها	I4D13	۵- تدوین سند آمایش از تعداد وضعیت دانشجویان و دانش‌آموختگان به تفکیک منطقه‌ای، استانی و شهرها	

بدین ترتیب با استخراج گزاره‌های هر مصاحبه و بهره‌گیری از مبانی نظری، و همچنین حذف موارد تکراری و ترکیب کدهای مشترک، ۶۰ مؤلفه و ۱۳ بعد اصلی حاصل شد. با توجه به نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌های

انجام شده با خبرگان، عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی آموزش عالی کشور در راستای تحقق دانشگاه کارآفرین در جدول ذیل طبقه‌بندی شد.

جدول ۴: کدگذاری محوری و شکل‌دهی مقوله‌های پژوهش

مؤلفه	بعد
مدیریت شبکه تعاملات اجتماعی بین بازیگران اصلی آموزش عالی و اکوسیستم کارآفرینی؛ بازآرایی ساختاری سازمان‌های مجری باهدف تسهیل برقراری تعامل چندسویه دولت، دانشگاه و صنعت؛ بازنگری در چشم‌انداز، رسالت و کارکردهای نظام آموزش عالی با رویکرد اصلاح زنجیره ارزشی به سمت کارآفرینی و اسلامی‌شدن؛ ایجاد نهادهای تأمین مالی نوین جهت تأمین مالی پروژه‌های کارآفرینانه دانشگاه‌ها نظیر پلتفرم‌های تأمین مالی جمعی؛ بهبود ساختار نهادهای علمی - تحقیقاتی و زیرساخت‌های فناوری	نقش دولت
شفافیت و فهم مسائل عمومی و توجه قانون‌گذاران به نیاز جامعه؛ هماهنگی و مشارکت قانون‌گذاران و مجریان به‌منظور رفع ابهام در اهداف مدنظر در زمان تصویب؛ تصویب قوانین جدید و روزآمدسازی مقررات لازم برای حوزه کسب و کار نوین، دانش‌بنیان و کارآفرینی مبتنی بر نوآوری در زمینه بیمه، مالیات و تأمین مالی؛ حمایت سیاسی قانون‌گذاران در مرحله اجرا قوانین و مقررات	نقش قانون‌گذاران
طراحی و برگزاری برنامه‌های ترویجی، کنفرانس‌ها، سمینار و انجمن‌های علمی در حوزه کسب و کارهای نوین و کارآفرینی با رویکرد اخلاق‌مداری در بازار کار؛ تحول گفتگمانی و فکری از طریق رسانه‌های عمومی در حیطه کارآفرینی و ارزش‌های اسلامی؛ تقویت نگرش مهارت‌گرایی و پژوهش‌محوری با اجتماعات کارآفرینانه؛ تقویت ارزش‌ها و باورهای اسلامی مدیران، اساتید و دانشجویان؛ ایجاد کافه کارآفرینی و کافه گفتگو در دانشگاه‌ها باهدف تبادل اطلاعات و ایده‌ها در حوزه کارآفرینی و کسب و کارهای نوین؛ برگزاری جشنواره‌های ایده و کارآفرینی باهدف معرفی الگوهای موفق فردی در حوزه‌های کسب و کار نوین	زیر ساخت فرهنگی
بازنگری محتوای آموزشی با رویکرد آموزش‌های حرفه‌ای و مهارتی متناسب با نیاز بازار کار و با جهت‌گیری اخلاق اسلامی؛ بهبود زیرساخت‌های لازم جهت اجرای بهینه طرح کارورزی؛ تغییر شیوه تدریس و به‌کارگیری روش‌های نوآورانه در نظام یادگیری؛ افزایش ظرفیت فرصت‌های مطالعاتی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اساتید؛ همکاری دانشگاه‌های	زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی

داخلی و خارجی در قالب طرح‌های کسب‌وکار دانشگاهی؛ مسئله‌محور کردن پژوهش‌های دانشجویی باهدف حل مشکلات و نیاز بازار و صنعت

تنوع‌بخشی به منابع مالی دانشگاه‌ها از طریق انجام پروژه‌های مشترک با شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر؛ ایجاد شبکه‌های همکاری فعالیت‌های مالی بین نهادهای تأمین مالی بازارهای مالی و پولی کشور جهت تقویت بنیه مالی آموزش عالی؛ اصلاح مقررات آیین‌نامه مالی معاملاتی دانشگاه به‌منظور تجاری‌سازی تحقیق و توسعه؛ جانمایی تحقیق و توسعه در هزینه‌های بودجه آموزش عالی

زیر ساخت مالی

شبکه‌سازی اجتماعی - اطلاعاتی دانشگاه‌ها با صنایع و شرکت‌های مادر و نهادهای دولتی مرتبط در کشور با رویکرد احصاء و رفع مشکلات بازارهای کشور؛ برقراری ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها با کارآفرینان دانشگاه‌های مطرح کارآفرین در جهان؛ گسترش و تقویت شبکه‌های ارتباطی مختص به کارآفرینان دانشگاهی داخلی و بین‌المللی؛ ایجاد ستاد مرکزی برای هماهنگی و هم‌افزایی بین نهادهای چرخه علم و فناوری (پارک‌ها، مراکز رشد، دفاتر ارتباط با صنعت و....)؛ تعامل عملی و مؤثر نهادهای علمی حوزوی و دانشگاه‌ها

تعاملات نهادها و شبکه‌ها

تطابق مسئولیت افراد با تخصص و دانش فردی افراد سازمان (کارکنان دانش‌محور)؛ تقویت رویکرد توانمندسازی علمی و مهارتی اساتید و پژوهشگران در امکان‌سنجی ایده‌ها و بررسی امکان‌پذیری در بازار؛ حمایت مؤثر مدیریت عالی دانشگاه از کارآفرینی و اسلامی‌شدن دانشگاه؛ تربیت نیروی انسانی با روحیه کارگروهي، خلاقیت، ریسک‌پذیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، روحیه پرسشگری و اخلاق اسلامی برای ورود به بازارهای کشور

مدیریت و منابع انسانی

شفافیت در اطلاعات و ثبات در بازارهای پولی و مالی کشور؛ تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی و مشکلات صنعت؛ تغییرات سیستم‌های سیاسی؛ تغییرات فناوری و نیازهای عمومی اجتماعی و اقتصادی جامعه؛ میزان حمایت و اعتماد عمومی و همسویی با ارزش‌های اجتماعی (اخلاقی - اسلامی)

محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی)

وجود معیارهای قطعی و شفاف برای نظارت و ارزیابی عملکرد سازمان‌های مجری؛ میزان تناسب ساختار اداری و انعطاف در سازگاری با محیط و سازمان‌های موازی؛ اخذ بازخورد و ارزیابی میزان رضایت خدمات گیرندگان (تأثیرپذیران از خط‌مشی)؛ میزان پاسخگویی سازمان‌های مجری به محیط پیرامونی و مخاطبان

ساختار سازمان‌های مجری

اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی آموزش عالی کشور	نیروی انسانی آموزش‌دیده و متخصص متناسب با نیاز بازار با مسئولیت نظام آموزشی (تلفیق آموزش با پژوهش و مهارت)؛ تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی؛ حمایت از توسعه مراکز رشد و نوآوری با تأکید بر بخش غیردولتی؛ تسهیل اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها
اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی آموزش عالی کشور	بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و الگوهای اسلامی در ارتقای جایگاه ارزش کار و آموزش کارآفرینان؛ غنی‌سازی محتوای برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و دانشجویی مطابق با بینش و معارف اسلامی؛ تناسب ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری منابع انسانی (دانشجو، اساتید و مدیران) با ارزش‌ها و اخلاق اسلامی؛ تناسب نظام فرهنگی دانشگاه با ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی
سیاست‌های کلی اشتغال مقام معظم رهبری	استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی؛ بهبود محیط کسب‌وکار و حمایت از بخش خصوصی تعاونی با اصلاح مقررات؛ ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری؛ توجه بیشتر در پرداخت یارانه‌ها به حمایت از تأسیس شرکت‌ها برای تجاری‌سازی ایده‌ها و تولید و اشتغال مولد در بخش خصوصی
تحقق دانشگاه نسل سوم	حفظ و تقویت مشروعیت اجتماعی دانشگاه؛ افزایش پاسخگویی به مشکلات و نیازهای جامعه؛ ایفای نقش مؤثر در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه؛ نیروی انسانی متخصص و متعهد متناسب با بازار کار؛ پیوند آموزش عالی و صنعت

با توجه به یافته‌های پژوهش، عوامل شناسایی شده اجرای خط‌مشی‌های عمومی آموزش عالی کشور در راستای تحقق دانشگاه نسل سوم در شکل زیر نشان‌داده شده است.



شکل ۲: عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی (بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان)

برای تعیین روابط و سطح‌بندی عوامل باید مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها برای هر معیار از ماتریس دریافتی استخراج شود. مجموعه دستیابی (عناصر سطر، خروجی یا اثرگذاری‌ها): متغیرهایی که از طریق این متغیر می‌توان به آن‌ها رسید. مجموعه پیش‌نیاز (عناصر ستون، ورودی یا اثرپذیری‌ها): متغیرهایی که از طریق آن‌ها می‌توان به این متغیر رسید. مجموعه خروجی‌ها شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد. مجموعه ورودی‌ها شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. سپس مجموعه روابط دوطرفه معیارها مشخص می‌شود.

جدول ۵: مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای تعیین سطح

متغیرها	خروجی: اثرگذاری	ورودی: اثرپذیری	اشتراک
F01	F01,F02,F04,F05,F06,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F08,F12	F01,F02
F02	F01,F02,F04,F05,F06,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F08,F12	F01,F02
F03	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F10,F11,F12,F13	F03,F08,F12	F03,F08,F12
F04	F04,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F12	F04,F07,F09
F05	F04,F05,F06,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F05,F06,F08,F12	F05,F06
F06	F04,F05,F06,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F05,F06,F08,F12	F05,F06
F07	F04,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F12	F04,F07,F09
F08	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F10,F11,F12,F13	F03,F08,F12	F03,F08,F12
F09	F04,F07,F09,F10,F11,F13	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F12	F04,F07,F09
F10	F10,F11,F13	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F10,F11,F12	F10,F11
F11	F10,F11,F13	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F10,F11,F12	F10,F11
F12	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F10,F11,F12,F13	F03,F08,F12	F03,F08,F12
F13	F13	F01,F02,F03,F04,F05,F06,F07,F08,F09,F10,F11,F12,F13	F13

برای متغیر C_i مجموعه دستیابی (خروجی یا اثرگذاری‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق متغیر C_i می‌توان به آنها رسید. مجموعه پیش‌نیاز (ورودی یا اثرپذیری‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق آنها می‌توان به متغیر C_i رسید. پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب

می‌شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجی‌ها) باشد، سطح اول خواهد بود. بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را خواهند داشت. پس از تعیین سطح، معیاری که سطح آن معلوم شده از تمامی مجموعه حذف کرده و مجدداً مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها را تشکیل داده و سطح متغیر بعدی به دست می‌آید (اصغرپور، ۱۳۹۲).

متغیر تحقق دانشگاه نسل سوم (F13) در سطح نخست قرار دارد. متغیرهای اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی (F10) و اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی (F11) در سطح دو قرار دارند. متغیرهای زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی (F04)، مدیریت و منابع انسانی (F07) و ساختار سازمان‌های مجری (F09) در سطح سه قرار دارند. متغیرهای زیرساخت مالی (F05) و تعاملات نهادها و شبکه‌ها (F06) در سطح چهار قرار دارند. متغیرهای نقش دولت (F01) و نقش قانون‌گذاران (F02) در سطح پنج قرار دارند. در نهایت متغیرهای زیرساخت فرهنگی (F03)، محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) (F08) و سیاست‌های کلی اشتغال (F12) در سطح شش قرار دارند. در این نگاره فقط روابط معنادار عناصر هر سطح بر عناصر سطح زیرین و همچنین روابط درونی معنادار عناصر هر سطر در نظر گرفته شده است. نتایج سطح‌بندی نشان داد در سطح پنجم، مؤلفه‌های نقش قانون‌گذاران و نقش دولت با مؤلفه‌های سطح ششم دارای رابطه یک‌طرفه هستند. به این معنی که مؤلفه‌های نقش قانون‌گذاران و نقش دولت بر مؤلفه‌های زیرساخت فرهنگی، محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) و سیاست‌های کلی اشتغال تأثیر نمی‌گذارد و فقط از آنها تأثیر می‌پذیرند. همچنین مؤلفه‌های نقش قانون‌گذاران و نقش دولت دارای رابطه دوطرفه هستند. در سطح چهارم مؤلفه‌های تعاملات نهادها و شبکه‌ها و زیرساخت مالی نیز دارای رابطه دوطرفه هستند به این معنی که هم تعاملات نهادها و شبکه‌ها بر زیرساخت مالی تأثیر می‌گذارد و هم زیرساخت مالی بر تعاملات نهادها و شبکه‌ها تأثیر می‌گذارد. یعنی اگر یکی از این مؤلفه‌ها بالا رود مؤلفه دیگر هم بالا می‌رود. از طرف دیگر این مؤلفه‌ها بر سطح سوم که مؤلفه‌های ساختار سازمان‌های مجری، مدیریت و منابع انسانی و زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی دارد نیز تأثیر گذارند. تمامی روابط میان سطح سوم و چهارم به صورت یک‌طرفه از سطح چهارم به سوم بوده و تأثیر گذاری مؤلفه‌های سطح چهارم بر تمامی مؤلفه‌های سطح سوم محرز است.

لازم به ذکر است مؤلفه‌های ساختار سازمان‌های مجری، مدیریت و منابع انسانی و زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی دارای ارتباطی سویه (دو‌به‌دو) هستند و با یکدیگر در تعامل‌اند. مؤلفه‌های مذکور بر مؤلفه‌های سطح دوم که شامل اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی آموزش عالی کشور و اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی آموزش عالی کشور است، به صورت یک‌طرفه تأثیر گذارند. در سطح دوم

مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی و اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی نیز دارای رابطه دوطرفه هستند. به این معنی که هم اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی بر اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی تأثیر می‌گذارد و اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی بر اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. در نهایت تمامی مؤلفه‌های مذکور منجر به ایجاد دانشگاه نسل سوم در سطح اول می‌شوند. لازم به ذکر است مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی و اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی به صورت مستقیم بر این مؤلفه تأثیر دارند و سایر مؤلفه‌ها به صورت غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر مؤلفه‌ای دیگر منجر به دستیابی به دانشگاه نسل سوم در مدل می‌شوند.

برای تحلیل قدرت نفوذ - وابستگی: مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای هر عنصر در تشکیل ماتریس قدرت نفوذ - وابستگی (تحلیل MICMAC) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده می‌شود که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. نمودار قدرت - وابستگی برای متغیرهای مورد مطالعه در جدول زیر را نشان می‌دهد.

جدول ۶: قدرت نفوذ و میزان وابستگی اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم

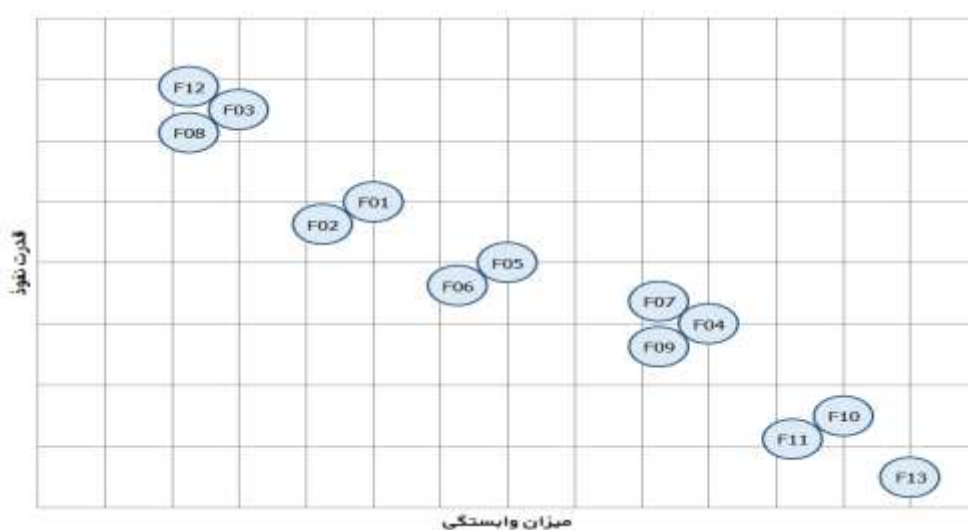
متغیرهای پژوهش	میزان وابستگی	قدرت نفوذ	سطح
نقش دولت (F01)	۵	۱۰	۵
نقش قانون‌گذاران (F02)	۵	۱۰	۵
زیرساخت فرهنگی (F03)	۳	۱۳	۶
زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی (F04)	۱۰	۶	۳
زیرساخت مالی (F05)	۷	۸	۴
تعاملات نهادها و شبکه‌ها (F06)	۷	۸	۴
مدیریت و منابع انسانی (F07)	۱۰	۶	۳
محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) (F08)	۳	۱۳	۶

تبیین عوامل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی کشور برای تحقق دانشگاه کارآفرین

۱-۳۳

❖ فهمیه خدماتی عباسیه ❖ سمانه مهدی زاده ❖ یاسر سالاری

۳	۶	۱۰	ساختار سازمان‌های مجری (F09)
۲	۳	۱۲	اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی (F10)
۲	۳	۱۲	اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی (F11)
۶	۱۳	۳	سیاست‌های کلی اشتغال (F12)
۱	۱	۱۳	تحقق دانشگاه نسل سوم (F13)



بر اساس نمودار قدرت نفوذ - وابستگی متغیرهای زیرساخت فرهنگی (F03)، محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) (F08)، سیاست‌های کلی اشتغال (F12) قدرت نفوذ بالایی داشته و تأثیرپذیری کمی دارند و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفته است. متغیرهای تحقق دانشگاه نسل سوم (F13)، اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم کارآفرینی (F10)، اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم اسلامی (F11) متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند. متغیرهای زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی (F04)، مدیریت و منابع انسانی (F07)، ساختار سازمان‌های مجری (F09)، زیرساخت مالی (F05)، تعاملات نهادها و شبکه‌ها (F06)،

نقش دولت (F01)، نقش قانون‌گذاران (F02) قدرت نفوذ و میزان وابستگی مشابهی دارند؛ بنابراین متغیرهای پیوندی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

نظام‌های سیاسی با توجه به سیاست‌های کلانی که دنبال می‌کنند، در پی تأثیرگذاری بر آموزش عالی به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تحولات بزرگ در هر جامعه هستند؛ بنابراین تأثیرپذیری تحقق اهداف نظام آموزش عالی کشور از بستر محیطی اجتناب‌ناپذیر است، همچنین محیط زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را جهت نهادینه‌سازی اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم فراهم می‌آورد. در نتایج مطالعه مانا و مافیت (۲۰۲۱) اجرای خط‌مشی محل اصلی بیان جنگ و درگیری سیاسی است که نیازمند دقت نظر و حمایت لازم جهت تحقق اهداف خط‌مشی و عدم انحراف آن است که با نتایج تحقیق حاضر همسو است. طبق یافته‌های پژوهش در اجرای خط‌مشی‌های عمومی می‌بایست زیرساخت فرهنگی مرتبط با آن در جامعه و دانشگاه استقرار یابد واضح است که هر نظام آموزشی تحت تأثیر متن فرهنگی یک جامعه قرار می‌گیرد. در این خصوص، خبرگان معتقدند که ایجاد بسترهای لازم فرهنگی همچون ایجاد بحث و گفت‌وگو جدید و همسویی خط‌مشی با هنجارها و ارزش‌های جامعه، برای اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی و تضمین کیفیت دارای اهمیت است. بر اساس نظر خبرگان، مرور ادبیات تحقیق شاخص‌های مربوط به گروه‌های هدف و تأثیرپذیران از خط‌مشی، شاخص‌های وجود بستر مناسب در جامعه، فرهنگ و باور مردمی، اعتقادات و ارزش‌های جامعه، پذیرش و تمایل به خط‌مشی، اعتماد عمومی و نظام بازخورد مورد تأکید بوده که با نتایج تحقیق هم‌راستا است. به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده اگر سیاست‌گذاری در تدوین خط‌مشی‌ها تنگناهای اجرا را ندیده و خط‌مشی را در فضای انتزاعی و تخیلی اتخاذ کرده باشند، این دلیلی بر ضعف خط‌مشی‌گذاری است نه ضعف در اجرا. به اعتقاد آنها «توجه به منافع گروه‌های ذی‌نفع اجرای خط‌مشی‌گذاری در زمان تدوین می‌تواند اجرای صحیح خط‌مشی را تضمین کند». «باید در زمان تدوین خط‌مشی چگونگی تبدیل اهداف و رسالت‌های جامع در حوزه آموزش عالی به اهداف و مأموریت‌های عملیاتی در دانشگاه‌ها و سایر نهادهای اجرایی و تعیین نقش و جایگاه هر دانشگاه و اداره در برنامه مشخص شده با اهداف عینی قابل اندازه‌گیری به صورت شفاف مشخص گردد در این صورت منجر به اجرای درست خط‌مشی می‌گردد». مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که گذر به جوامع پایدار متضمن تغییر خط‌مشی‌ها و اتخاذ یک دیدگاه نظام‌مندتر است و این دیدگاه گسترده با انسجام خط‌مشی گره خورده است (هاتین و همکاران ۱، ۲۰۱۴). در زمینه اهمیت نقش قانون‌گذاران نیز تصویب و بازنگری قوانین و مقررات راه‌اندازی

و حمایتی، تهیه و در دسترس قرار دادن منابع اطلاعاتی به‌روز و دقیق برای انجام پروژه‌ها و حتی ایده‌یابی برای کارآفرینی مورد تأکید قرار گرفت. مصاحبه‌شوندگان به تعریف روشن و درست چشم‌انداز دولت از کارآفرینی و نحوه حمایت از آن و تطبیق چشم‌انداز دولت با چشم‌انداز و برنامه‌های دانشگاهی اشاره کردند و به این ترتیب نقش دولت به عنوان یکی از بعدهای اصلی تعیین گردید. باتوجه به عدم تعادل بین خروجی‌های دانشگاه با تقاضای بازار کار در برنامه‌ریزی‌ها، باید به این مورد توجه بیشتری مبذول شود. عوامل زیادی از جمله دگرگونی مداوم سیاست‌های دولت، به کارگیری سیاست‌های سلیقه‌ای، ناسالم بودن محیط کسب و کار، بی‌ثباتی مدیران و کارآفرینان دولتی، وجود قوانین نامناسب و غیر حمایتی، نبود اطمینان محیطی، نبود زیرساخت‌های تجاری، نبود حمایت هنجاری اجتماعی و فرهنگی از کارآفرینی، نامناسب بودن ابزار، بهره‌بالای وام‌های بانکی و غیره، نقش دولت را بسیار مؤثر قرار داد. به اعتقاد خبرگان، زمانی که دولت با کمبود بودجه مواجه می‌شود، در اولین اقدام بودجه تحقیق و توسعه سازمان‌ها را محدود می‌کند و این محدودیت بودجه باعث می‌شود که چرخه خط‌مشی‌گذاری کامل طراحی نگردد و تصمیمات کوتاه‌مدتی گرفته شود. به این ترتیب، اهمیت زیرساخت مالی به عنوان یکی از ابعاد پژوهش تعیین گردید که در این بخش هم نقش دولت هم نقش قانون‌گذاران بسیار حائز اهمیت است. رسالت دانشگاه‌ها، فراسوی علم و پژوهش صرف درون دانشگاهی، در جهت خدمت به جامعه سوق داده شد و نقش دانشگاه‌ها از تک نقشی و تک نهادی به چند نقشی و چند نهادی؛ یعنی نقش آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای تکامل یافته است به این ترتیب تعاملات نهادها و شبکه‌ها به عنوان یکی از بعدها به پژوهش اضافه گردید. استم و وندی ون (۲۰۲۱) نیز شبکه‌ها، رهبری، زیرساخت‌های فیزیکی، منابع مالی و خدمات واسطه‌ای را تأیید کرده‌اند. اجرای خط‌مشی یک نظریه اقتضایی و یک فرایند تعاملی مستمر و پیچیده است که متأثر از بستر اجتماعی و سیاسی است. رویکرد شبکه‌ای به اجرای خط‌مشی، روابط و تعامل بین سازمان‌ها در عرصه زنجیره اجرا را روز به روز پیچیده‌تر می‌نماید. در این شیوه از اجرای خط‌مشی باید توجه داشت که ما با دنیای بازیگران چندگانه که هماهنگی و همکاری آن‌ها برای اجرای موفق کامل استراتژی‌ها ضروری است روبه‌رو هستیم. دیدگاه دموکراتیزه کردن علم خط‌مشی‌گذاری دربرگیرنده رویکردهای آزادمنشانه باهدف دستیابی به اجماع مبتنی بر همکاری است که حرکت به سوی دموکراسی با ویژگی‌های مشارکت گسترده‌تر و معنادارتر عمومی را جهت دستیابی به اهداف تشویق می‌کند. دریافته‌های تحقیق فیگروآ هونچو و دیگران (۲۰۲۰) که اجرا باید به نقشه‌ای متصور توسط بازیگران مختلف توجه کند و تعامل بین سیاست‌های عمومی و طراحی اداری سیاسی، منابع موردنظر و کانال‌های ارتباطی را در نظر بگیرد نیز تأکید شده است؛ بنابراین اجرای خط‌مشی‌های عمومی تحت تأثیر طراحی و پیش‌داوری‌هایی که شامل ابزارهای

انتخاب‌شده سیاست‌ها، سازمانی که آن را مدیریت می‌کند، در دسترس بودن منابع، نوع بازیگران مداخله کننده و گیرندگان است در میان یا سایر جنبه‌ها قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، اجرا باید به نقش‌های متصور توسط بازیگران مختلف توجه کند و تعامل بین سیاست‌های عمومی و طراحی اداری سیاسی، منابع مورد نظر و کانال‌های ارتباطی را در نظر بگیرد که به‌طور کلی با نتایج این تحقیق همسو است. همچنین مطالعات نیهانگن و همکاران (۲۰۱۷) نیز بر فرایند پیاده‌سازی به‌عنوان الگوهای مشارکت و اعتماد در میان بازیگران اشاره کرده‌اند.

با توجه به مسئولیت‌های اجتماعی جامعه دانشگاهی کشور در حل مسئله عمومی اشتغال‌زایی، کارآفرینی و رشد اقتصادی کشور و عدم تعادل بین خروجی‌های دانشگاه با تقاضای بازار کار وجود نگاه نظام‌مند به کارآفرینی دانشگاهی و غیردانشگاهی ضروری است. به اعتقاد خبرگان دانشگاه کار خود را انجام می‌دهد و صنعت و جامعه مسیر خود را طی می‌کنند در حالی که همگرایی بین آنها باید جدی گرفته شود. عدم ارتباط بین دانشگاه با صنعت و سایر نهادهای ذی‌ربط به‌گونه‌ای است که جایگاه رشته‌های تحصیلی در صنعت و تولید چندان شکل نگرفته و تا زمانی که این ارتباط و تعاملات شکل نگیرد نمی‌توان به پیشرفت جدی در تحقق اهداف خط‌مشی‌ها امیدوار بود.

نهایتاً تحقق دانشگاه هزاره سوم در کشور مستلزم نگاه نظام‌مند مسئولان و مجریان و... (بازیگران) است؛ به‌طوری که به‌تمامی عوامل (اقتصادی، فرهنگی و مقرراتی و...) مرتبط با کارآفرینی به‌طور هم‌زمان توجه کنند و در تدوین سیاست‌های توسعه اقتصادی کارآفرینی همه ابعاد را در قالب یک اکوسیستم در نظر بگیرند؛ چرا که در استقرار دانشگاه کارآفرین، باید توانمندی‌های بومی مورد توجه قرار گیرد و پیاده‌سازی به شکل تقلیدی از سایر کشورها امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین صرفاً ایجاد بستری جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاهی یا راه‌اندازی کسب و کار کافی به نظر نمی‌رسد؛ بلکه باید کارآفرینی در بستری به نام اکوسیستم شکل و توسعه گیرد. با توجه به یک رویکرد سیستمی باید تمامی مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مقرراتی متناسب ظرفیت‌های منطقه‌ای و ملی را مدنظر قرارداد تا با هم‌کنشی و همکاری همه ذی‌نفعان شاهد توسعه فعالیت‌های کارآفرینی و جهش تولید و اقتصاد ملی باشیم که از پیش‌فرض‌های اساسی سیاست‌های امروز کشور است.

به‌منظور کاربردی کردن نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان پیشنهاداتی مطرح نمود؛ در خصوص نقش دولت پیشنهاد می‌شود، مدیران ذی‌ربط با مدیریت صحیح شبکه تعاملات اجتماعی بین بازیگران اصلی آموزش عالی و اکوسیستم کارآفرینی و بازآرایی ساختاری سازمان‌های مجری باهدف تسهیل برقراری تعامل چندسویه دولت، دانشگاه و صنعت به استقرار مدل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم کارآفرینی -

اسلامی آموزش عالی کشور پردازند. همچنین بازنگری در چشم‌انداز، رسالت و کارکردهای نظام آموزش عالی با رویکرد اصلاح زنجیره ارزشی به سمت کارآفرینی و اسلامی‌شدن نیز در این مسیر نقش بسزایی را ایفا می‌نماید. در خصوص زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی پیشنهاد می‌شود، با بازنگری محتوای آموزشی با رویکرد آموزش‌های حرفه‌ای و مهارتی متناسب با نیاز بازار کار و با جهت‌گیری اخلاق اسلامی و بهبود زیرساخت‌های لازم جهت اجرای بهینه طرح کارورزی، زمینه را جهت استقرار مدل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی کشور فراهم سازند. فراهم آوردن همکاری دانشگاه‌های داخلی و خارجی در قالب طرح‌های کسب و کار دانشگاهی و مسئله‌محور کردن پژوهش‌های دانشجویی باهدف حل مشکلات و نیاز بازار و صنعت نیز پیشنهاد می‌شود. در خصوص تعاملات نهادها و شبکه‌ها پیشنهاد می‌شود، به کمک شبکه‌سازی اجتماعی - اطلاعاتی دانشگاه‌ها با صنایع و شرکت‌های مادر و نهادهای دولتی مرتبط در کشور با رویکرد احصاء و رفع مشکلات بازارهای کشور بخشی از اهداف اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم آموزش عالی کشور را قابل‌دستیابی نمایند. همچنین برقراری ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها با دانشگاه‌های مطرح کارآفرین در جهان که منجر به گسترش و تقویت شبکه‌های ارتباطی مختص به کارآفرینان دانشگاهی داخلی و بین‌المللی نیز می‌شود، جهت نهادینه‌سازی اجرای خط‌مشی‌های عمومی آموزش عالی کشور توصیه می‌گردد.

در خصوص محیط (زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) پیشنهاد می‌شود، در ابتدای امر شفافیت در اطلاعات و ثبات در بازارهای پولی و مالی کشور در دستور کار مدیران مربوطه قرار گیرد. تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی و مشکلات صنعت و تغییرات سیستم‌های سیاسی غیرقابل‌انکار است؛ ولی با حفظ انسجام و هماهنگی میان اعضاء می‌توان بر مشکلات محیطی موجود غلبه نمود. همچنین تغییرات فناوری و نیازهای عمومی اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز باید در نظر گرفته شود. در این راستا، میزان حمایت و اعتماد عمومی و همسویی با ارزش‌های اجتماعی (اخلاقی - اسلامی) به‌عنوان عاملی تسهیل‌کننده در استقرار مدل اجرای خط‌مشی‌های عمومی اکوسیستم به شمار می‌آید. در صورت پیاده‌سازی پیشنهادها و استراتژی‌های مذکور، تحقق دانشگاه کارآفرین و دستیابی به نتایجی نظیر حفظ و تقویت مشروعیت اجتماعی دانشگاه، افزایش پاسخگویی به مشکلات و نیازهای جامعه، ایفای نقش مؤثر در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه، نیروی انسانی متخصص و متعهد متناسب با بازار کار و پیوند آموزش عالی و صنعت دور از انتظار نخواهد بود. به‌منظور غنی‌سازی نتایج پژوهش حاضر، سایر پژوهشگران می‌توانند با در نظر گرفتن نظرات سایر ذی‌نفعان و فعالان، نتایج بخش کمی را تکمیل نموده و مقایسه‌ای بین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش خود انجام دهند. همچنین می‌توانند میزان اجرای خط‌مشی‌های اکوسیستم آموزش عالی کشور را

در قلمروهای مختلف جغرافیایی سنجدیه و مقایسه‌ای بین آن‌ها انجام دهند. باتوجه به این که پژوهش حاضر در زمان پاندمی ویروس کرونا انجام شد، لذا دشوار بودن فرایند انجام مصاحبه با مدیران و همچنین وجود محدودیت زمانی و هزینه‌ای برای پژوهشگر را می‌توان ازجمله محدودیت‌های پژوهش ذکر نمود.

References

- Abbasi, T., Beygi, V. (2016). Explaining the challenges of the implementation of public policies in the field of Science, Research and Technology. *Journal of Science and Technology Policy*, 9(3), 1-12 [In Persian].
- Aghighi, M., & Salimi, M. H. (2009). A multidimensional strategic model for university and industry co-operations to improve the scientific & technological renovation. *Iranian Journal of Engineering Education*, 11(42), 121-136 [In Persian].
- Alavi, S. M., Ranaei Kordshouli, H. A., Alimohammadlou, M., & Salimi, G. (2021). Designing a third generation university governance model using total interpretive structural modeling. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 14(1), 213-254 [In Persian].
- Ansell, C., Sørensen, E., & Torfing, J. (2017). Improving policy implementation through collaborative policymaking. *Policy & Politics*, 45(3), 467-486.
- Azizi, M., Shafiezhadeh, E., & Akbarzadeh, N. (2013). Investigating the entrepreneurial competencies required by university administrators. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(2), 27-54 [In Persian].
- Costandi, S., Hamdan, A., Alareeni, B., & Hassan, A. (2019). Educational governance and challenges to universities in the Arabian Gulf region. *Educational Philosophy and Theory*, 51(1), 70-86.
- Crow, M. M., Whitman, K., & Anderson, D. M. (2020). Rethinking academic entrepreneurship: university governance and the emergence of the academic enterprise. *Public Administration Review*, 80(3), 511-515.
- Dalmarco, G., Hulsink, W., & Blois, G. V. (2018). Creating entrepreneurial universities in an emerging economy: Evidence from Brazil. *Technological Forecasting and Social Change*, 135, 99-111.
- Dehghan Soltani, M., & Yousefi, H. (2019). An overview of concepts and models of entrepreneurship. International Conference on Knowledge Management, Blockchain and Economics, Tehran. Available from: <https://civilica.com/doc/968350> [In Persian].
- Dolati, H., & Motallebi, A. (2018). Explain the strategies and requirements of the resistance economy associated with the higher education system. *Journal of Research in Educational Science*, 11(39), 135-153 [In Persian].
- Drexler, M., Eltogy, M., Foster, G., Shimizu, C., Ciesinsik, S., Davila, A., Hassan, S. Z., Jia, N., Lee, D., Plunkett, S., Pinelli, M., Cunningham, J., Hiscock-Croft, R., McLenithan, M., Rottenberg, L., & Morris, R. (2014).

- Entrepreneurial ecosystems around the globe and early-stage company growth dynamics. In *Industry agenda*. Geneva: World Economic Forum.
- Figuerola Huencho, V., Lagos Fernández, C., Manriquez Hizaut, M., & Rebolledo Sanhueza, J. (2020). Implementation challenges in public policies towards indigenous peoples: the impact of health policies in urban contexts. *Journal of Intercultural Studies*, 41(4), 405-423.
- Ghadiri Masoum, M., Gholami, A., Mohammadzadeh Larijani, F., & Rezaei, H. (2017). Entrepreneurship development model in rural areas of Khoi city with interpretive structural modeling approach. *Journal Space Economy and Rural Development*, 6(21), 139-164 [In Persian].
- Gibb, A. (2012). Exploring the synergistic potential in entrepreneurial university development: towards the building of a strategic framework. *Annals of Innovation & Entrepreneurship*, 3(1), 16742.
- Gibb, A., & Hannon, P. (2006). Towards the entrepreneurial university. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 4(1), 73-110.
- Heaton, S., Siegel, D. S., & Teece, D. J. (2019). Universities and innovation ecosystems: a dynamic capabilities perspective. *Industrial and Corporate Change*, 28(4), 921-939.
- Howlett, M. (2019). *Designing public policies: Principles and instruments*. Routledge.
- Howlett, M., & Ramesh, M. (1998). Policy subsystem configurations and policy change: Operationalizing the postpositivist analysis of the politics of the policy process. *Policy Studies Journal*, 26(3), 466-481.
- Keykha, A., & Pourkarimi, J. (2021). *The basics of entrepreneurship and the entrepreneurial university in the higher education system*. Hamedan: Bouali Sina University [In Persian].
- Manna, P., & Moffitt, S. L. (2021). Traceable tasks and complex policies: When politics matter for policy implementation. *Policy Studies Journal*, 49(1), 190-218.
- Marquardt, J. (2017). How power affects policy implementation: Lessons from the Philippines. *Journal of Current Southeast Asian Affairs*, 36(1), 3-27.
- Maysami, A., Mohammadi Elyasi, G., Mobini Dehkordi, A., & Hejazi, S. R. (2018). The Dimensions and Components of Technological Entrepreneurship Ecosystem in Iran. *Journal of Technology Development Management*, 5(4), 9-42 [In Persian].
- Mehdizadeh Ashrafi, A., Mojibi, T., Meydari, A., ImanKhan, N., & faghani, M. (2021). Designing, explaining and measuring the welfare policies implementation model. *Social Development & Welfare Planning*, 12(45), 1-32 [In Persian].
- Mohammadi, A., Sedghiani, M., Yadollahi, M., & Albadvi, A. (2018). Identifying the key actors of innovation ecosystem in downstream petrochemical industry of Iran. *Roshd-e- Fanavari*, 14(54), 36-45 [In Persian].

- Mohsenipour, H., & Raeisi, A. (2017). Investigating factors affecting the effectiveness of employee training: A case study of Tejarat Bank. The 1st International Conference and the 3rd National Conference on Management and Humanities Researches, Tehran. Available from: <https://civilica.com/doc/680963> [In Persian].
- Mortezaei, H., Salehi, M., & Niazazari, K. (2018). Identify factors affecting the organizational structure dimension in entrepreneurial university and its role in creating a knowledge-based economy. *Social Science Quarterly*, 12(41), 31-60 [In Persian].
- Mousavi, S. H., Salehi Omran, I., Farasatkah, M., & Towfighi, J. (2018). Providing a model for development of entrepreneurial university in Iran. *Iranian Journal of Engineering Education*, 19(76), 1-28 [In Persian].
- Nyhagen, G. M., Bleiklie, I., & Hope, K. (2017). Policy instruments in European universities: Implementation of higher education policies. In *Managing Universities* (pp. 275-300). Palgrave Macmillan, Cham.
- Phulkerd, S., Sacks, G., Vandevijvere, S., Worsley, A., & Lawrence, M. (2017). Barriers and potential facilitators to the implementation of government policies on front-of-pack food labeling and restriction of unhealthy food advertising in Thailand. *Food Policy*, 71, 101-110.
- Rahbari, M., & Abbasi, M. (2015). The value of entrepreneurship in Islamic vision. The 1st International Conference on Industrial Engineering, Management and Accounting, Tehran. Available from: <https://civilica.com/doc/502456> [In Persian].
- Sabatier, P. and Mazmanian, D. (1996). The Condition of Effective Implementation Houghton Mifflin, Sixth, 382 -383.
- Sedláček, J. (2017). The Impact of Governance on the Research Performance of European Universities in Cross-Country Comparisons. *Review of Economic Perspectives*, 17(4), 337-362.
- Shafie, A., Ghaderi, Sh., & Hosseinzadeh, A. (2021). Designing a model for successful implementation of public procurement policy in state-owned banks. *Political and International Researches Quarterly*, 11(45), 461-487 [In Persian].
- Shakibaei, A., Ghaderi, Sh., & Hosseinzadeh, A. (2012). Iranian-Islamic entrepreneurship model (case study: Homayoun Sanetizadeh's entrepreneurship model in Kerman province). National Conference on Entrepreneurship and Management of Knowledge-based Businesses, Babolsar. Available from: <https://civilica.com/doc/175002> [In Persian].
- Siciliano, M. D., Moolenaar, N. M., Daly, A. J., & Liou, Y. H. (2017). A cognitive perspective on policy implementation: Reform beliefs, sensemaking, and social networks. *Public Administration Review*, 77(6), 889-901.
- Skarica, M. (2020). Implementation of the strategy for public administration development in Croatia (2015-2020): a mid-term evaluation. *Economic and Social Development: Book of Proceedings*, 302-313.

- Torkzadeh, J., & Abdesharifi, F. (2018). Recontextualizing Resistive Economy as a Behavioral System. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 11(1), 113-140 [In Persian].
- Zeinivandmoghdam, R., Bagherzadeh, M., Gholami Kanani, Y., Matani, M., & Aref nejad, M. (2021). Designing a model for implementing the policies of the Ministry of Education using interpretive structural modeling. *Public Policy In Administration*, 12(42), 67-84 [In Persian].

Explanation of the implementation factors of the general policies of the higher education ecosystem of the country To realize the entrepreneurial university

Fahimeh Khoddami abbasiyeh^۱, Samaneh Mehdizadeh^۲, Yaser Salari^۳

Abstract

The aim of this research was to explain the factors involved in implementing public policies within the country's higher education ecosystem to achieve an entrepreneurial university. This study used a mixed-methods approach (qualitative-quantitative). The statistical population for the qualitative section consisted of academic experts and specialists in policy implementation and entrepreneurship, who were selected purposefully using the snowball technique. Based on the rule of theoretical saturation and to collect the necessary data, 12 in-depth, semi-structured interviews were conducted. The qualitative data from the interviews were analyzed using content analysis. Ultimately, 60 concepts and 13 categories were identified. These concepts and categories were then confirmed using the fuzzy Delphi technique. In the quantitative section, due to the large size of the statistical population, a sample of 500 people was determined using a multi-stage cluster sampling method and Cohen's formula. To identify causal relationships between the main research categories, to level them, and to determine their influence and dependence, the Interpretive Structural Modeling (ISM) method and MICMAC software were used. Finally, validation was performed using the partial least squares technique and SMART-PLS software. From the content analysis of the expert interviews, 314 initial codes were identified in the open coding phase. After screening and identification, 54 components and 13 dimensions were ultimately identified as policy implementation factors. These dimensions were titled: Leadership employment policies, Environment (social, economic, and political contexts), Cultural infrastructure, Role of government, Role of legislators, Interactions of institutions and networks, Financial infrastructure, Educational and research infrastructure, Management and human resources, Structure of implementing organizations, Implementation of entrepreneurial ecosystem policies in the country's higher education, and Implementation of Islamic higher education ecosystem policies and achievement of an entrepreneurial university.

Keywords: Policy Implementation, Higher Education Ecosystem, Entrepreneur University.

^۱- PhD in Public Administration, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

^۲- Assistant Professor, Department of Management, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

^۳- Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.